

۱۸. محمد بن مسعود، قطب الدين مصحح شيرازى (۱۴۰۱)، ضياء الدين تهران: حكمت.
۱۹. مصباح يزدى، محمد تقى (۱۳۶۷)، معارف قرآن، قم: در راه حق.
۲۰. مطهرى، مرتضى (۱۳۷۴)، مجموعه آثار، قم: صدرا.
۲۱. مفيد، محمد بن محمد (۱۳۶۳)، نصحيح اعتقادات الإمامية، به كوشش: هبه الدين شهرستانى، قم: اسماعيليان.
۲۲. ملاصدرا (۱۹۸۱ م)، الحكمة المتعاليه فى الاسفار العقلية الاربعة، بيروت: دار الاحياء التراث.

فصلنامه حکمت کریمان

شماره ۷، زمستان ۱۴۰۳

صص ۷۰-۵۴

وحدت رمز پیروزی امت اسلام

سید محمدباقر علم الهدی^۱

چکیده

جامعه سازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی بر پایه وحدت از اساسی ترین اهداف دین مبین اسلام است. چیستی وحدت و راهکارهای دست یازی به وحدت از مسائل مهم و کلیدی در بازسازی تمدن نوین اسلامی است. از این رو و با هدف مشخص نمودن شاخصه های وحدت و راهکارهای رسیدن به آن و با روش تحلیلی، توصیفی بر پایه تحقیق کتابخانه ای بنیادی ترین خسارت در جامعه دینی را وجود اختلاف در میان جامعه اسلامی میدانیم و وحدت را راهبرد اصلی تشکیل حکومت دینی معرفی کرده وحدت و یکپارچگی ملت، آن هم با محوریت قرآن و سنت رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت عصمت و با تکیه بر مشترکات دینی و پرهیز از پرداختن به اختلافات مذهبی معرفی کرده و پیاده سازی آن در جمهوری اسلامی ایران را با وجود تنوع و تکثر قومیتی که دارد را مایه هم افزائی قدرت و اقتدار ملی در یک فضای همراه با آرامش به آرمان های ارزشمند انقلاب و امام خمینی علیه السلام دانسته و الگویی فرا روی جوامع اسلامی قرار می دهیم.

واژه های کلیدی: پیامبر، وحدت، اسلام، محور وحدت، دین، مذهب، دشمن، اختلاف.

۱. دانش آموخته سطح ۴ کلام اسلامی حوزه علمیه قم؛ رئیس مجتمع آموزش عالی حوزوی حضرت قاسم ابن

مقدمه

مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت در جامعه دینی عبارت است از امامت و رهبری، مردم، گستره علم و دانش و اقتصاد که هرکدام نقش بسزایی در فرایند سعادت‌مندی انسان‌ها ایفاء می‌نمایند.

وظیفه امامت و رهبری در جامعه دینی عبارت است از پرچم‌داری و ارائه طریق و انسجام بخشیدن میان حاکمان و ملت و فصل خصومت میان آنان است. وظیفه مردم نیز در همین راستا تحلیل می‌شود به این معنا که مردم باید با بهره‌مندی از رهنمودهای امام جامعه و تبعیت از او شرایط محیطی را جهت توسعه همه‌جانبه و دانش و اقتصاد شکوفا فراهم آورند.

بنابر این یکی از مؤلفه‌های اقتدار جامعه ایمانی وحدت میان آحاد آن جامعه است از این رو لازم است تا چیستی وحدت و راهکارهای وحدت در جامعه اسلامی باز سازی گردد. تحقیق پیش رو با هدف تبیین راهکارهای برون رفت از اختلافات و دست یازی به مدلی از وحدت و بر اساس متون دینی به این مهم پرداخته است از این رو فراهم‌سازی بستر ایمان، اعتقاد و بالنده کردن آن در اندیشه‌های مؤمنان از مهم‌ترین وظایف حاکمیت است تا در سایه آن اختلافات برخاسته از نوع جهان‌بینی و باورهای اعتقادی مردم به حداقل برسد و مردم بر اساس مشترکات دینی و اعتقادی خود مسیر سعادت‌مندی را طی نمایند و در این راستا تفرقه‌های برخاسته از نوع نگرش به مسائل کلامی به عنوان بزرگ‌ترین عامل گسست در جوامع دینی است که می‌تواند بیشترین خسارت را بر پیکر امت اسلامی وارد نماید.

لذا با بررسی عوامل مشترک در مباحث اعتقادی مثل ایمان به خدا و رسول و اعتقاد به قرآن و همچنین اعمال و تکالیف و نقش وحدت سازائمه اطهار در فرایند سعادت‌مندی بشریت می‌تواند پیامدهای سخت و ناگوار تفرقه را از بین ببرد و ملت مسلمان با بهره‌گیری از وحدت که ریشه‌های آن در باورهای اعتقادی است بر دشمنان قسم خورده اسلام پیروز گرداند

۱. چیستی وحدت:

وقتی سخن از وحدت به میان می‌آید، باید توجه داشته باشیم که دشمن با تفسیر غلط و نادرست از عنصر وحدت اسلامی، در مقام خدشه دار کردن این راه برد قطعی پیروزی است. چراکه گاهی از اوقات دشمن با طرح یکی کردن مذاهب و از بین بردن مذاهب در مقام مقابله و رویارویی مسلمانان با یکدیگر است درحالی که هدف از وحدت یکی کردن مذاهب اسلامی نیست به شکلی که بعد از این حنفیان، حنبلی و یا شیعیان و شافعی و مالکی گردند و یا سنیان تبدیل به شیعه شوند. بلکه هدف نزدیک کردن مذاهب مختلف به یکدیگر با تکیه بر مشترکات و متحد کردن امت اسلام و قرار دادن همه آنان در صف واحد و در مقابل دشمنان اسلام است. چراکه موفقیت و پیروزی فقط در سایه این روش عملی خواهد بود. بی جهت نیست که پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در گام اول مدیریت جامعه موفقیت را در اتحاد میان مردم می‌داند و مسلمین را برادر یکدیگر معرفی می‌کند و آنان که وحدت و یکپارچگی امت را برهم می‌زنند را از امت اسلام نمی‌داند. آن حضرت می‌فرماید:

"مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَمَاتَ الْإِمَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً" (البخاری، ۱۴۱۴: ۶/۲۵۸۸)

هرکس به اندازه یک وجب از جماعت فاصله بگیرد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

آن حضرت با تأسی از کلام الهی که می‌فرماید: ﴿أَنَا الْمُؤْمِنُونَ أَخُوهُ﴾ (حجرات: ۱۰) اشاره لطیفی بر نتیجه وحدت در مصاف با دشمن می‌کند و می‌فرماید: "المؤمنون اخوه تتكافى دماؤهم وهم يد على من سواهم." (حویزی، ۱۴۱۵: ۱/۶۵۵)؛ مؤمنین با یکدیگر برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن یک قدرتمند.

۲. بنیادی‌ترین خسارت در جامعه

ناگفته پیداست که معمولاً بنیادی‌ترین خسارت‌ها، در اختلافات مذهبی و دینی شکل می‌گیرد. زیرا مذهب در گوشت و پوست مردم جای دارد و انسان‌های متدین از آن

روی که آرامش جاودانه خود را در پاسداری از اعتقادات خود (که عموماً ریشه در گرایش‌های خانوادگی و قبیله‌ای دارد) می‌بینند، به هیچ قیمتی حاضر نیستند از آن کوتاه بیایند بلکه انگیزه برای تبلیغ و توسعه نوع نگاه خود به مذهب و هدایت مخاطبین خود دارند.

این نگاه ارزشی که در جای خود و تا حدودی قابل دفاع است می‌تواند آسیب‌پذیر نیز باشد و باعث بروز بحران‌های اجتماعی شود.

دشمن همواره برای ورود به جامعه اسلامی و از بین بردن آرامش جامعه از غفلت و شور مذهبی مردم به نفع اهداف سیاسی خویش بهره می‌گیرد.

جلال‌الدین سیوطی نقل می‌کند و می‌گوید: شاس بن قیس یکی از مشرکین در صدر اسلام بوده که همواره کینه مسلمانان را در سینه می‌پروراند او بعد از آنکه ملاحظه نمود پیامبر اسلام ﷺ آتش جنگ ۱۲۰ ساله میان اوسیان و خزرجیان را با آموزه‌های اسلامی تبدیل به صلح و آرامش نمود و در میان آنان دوستی و برادری برقرار کرد به دنبال ایجاد اختلاف میان این دو قبیله افتاد. او با دعوت یک جوان یهودی به همکاری برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان به صورت پنهانی، پروژه اختلاف‌افکنی را مدیریت نمود. این جوان یهودی با شگرد روشن کردن آتش فتنه و بازسازی اختلافات درون قبیله‌ای میان اوس و خزرج و دمیدن در آتش پنهان، این اختلافات دیرینه را دامن زد و تا حدودی هم در این زمینه موفقیت پیدا نمود به شکلی که بار دیگر مسلمانان اوس و خزرجی دست به سلاح شدند و در برابر یکدیگر صف‌آرایی نمودند.

این خبر که به گوش پیامبر ﷺ رسید، همراه عده‌ای از مهاجرین و انصار در محل درگیری حاضر شدند و فرمودند:

« يا معشر المسلمين، الله الله، ابدعوى الجاهلية وأنا بين أظهركم بعد أن هداكم الله تعالى إلى الإسلام واکرمکم به وقطع به عنکم أمر الجاهلية، واستتقدمکم به من الکفر، وألف به بینکم، ترجعون إلى ما کنتم علیه کفارا؟ » (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲/۲۶۴)

{ ای گروه مسلمانان آیا خدا را فراموش کرده‌اید و باینکه من هنوز در میان شما هستم، شعار جاهلیت سر می‌دهید؟ (آن‌هم) بعد از آنکه خداوند شما را به اسلام هدایت کرد و شما را گرامی و ارزشمند قرارداد و فتنه‌های دوران جاهلیت را ریشه‌کن ساخت و شما را از کفر رهائی بخشید و در میان شما الفت و برادری برقرار کرد. (حال) اکنون دوباره شما می‌خواهید به دوران جاهلی و کفر برگردید؟ }

این سخنان ارزشمند از رسول خدا بیشترین تأثیر خود را در دل‌های آنان گذاشت آنان فهمیدند که این رویارویی دسیسه دشمن و دامی است از ناحیه آنان، لذا سلاح بر زمین نهادند و گریه کردند و دست در گردن یکدیگر انداختند در حالی که اظهار اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند در کنار رسول خدا به سوی منازل خویش رهسپار شدند. بدین وسیله خداوند نقشه‌های دشمن خدا (شاس) را نقش بر آب نمود (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۷۹/۲).

امروزه جهان با پدیده‌ای تحت عنوان اسلام‌خواهی و توجه به گزاره‌های تربیتی و مدیریتی اسلام مواجه شده است. از برخوردهای چالشی و بی‌خردانه برخی از مدعیان آزادی بیان نظیر سخنان سخیف صاحب کتاب آیات شیطانی، یا کاریکاتورهای طراحی شده توسط برخی از بی‌هنران اروپایی از رسول مهربان اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله گرفته تا قرآن سوزی توسط برخی از کشیشان بی‌دین و مزدور اجانب و حتی سخنان سخیفی که گاهی از اوقات در داخل کشور از برخی فرزندان فریب خورده مسئولان پیرامون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شنیده و دیده می‌شود، همه حکایت از اقبال و توجه نسل جوان به نظام مدیریتی اسلام و احکام سعادت آفرین آن دارد و همین امر باعث شده است که نظریه پردازان بزرگ و استراتژیست‌های آمریکایی مثل هانتینگتون در کتاب برخورد تمدن‌ها از دکتر مایکل برانت یکی از مقامات سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در کتاب نقشه‌ای برای جدایی مکاتب الهی^۱ به فکر چاره بیفتند و بگویند که تنها

۱. A plato divis and besnoylte Theology

عامل بسیج ملت‌ها علیه مسلمانان، ایجاد نفرت عمومی از آنان خصوصاً شیعیان است. در طراحی‌های کلی این استراتژیست‌های آمریکایی می‌بینیم که آنان معتقدند برای ایجاد چالش‌های اجتماعی در میان مردم، ابتدا باید جنگ‌های داخلی و مذهبی راه‌اندازی و افرادی که با شیعیان اختلاف نظر دارند را باید منسجم کنند و به آنان قدرت و توان و پشتیبانی‌های لازم جهت برخورد مستقیم داد و آنگاه شیعیان را از جامعه جدا و علیه و آنان نفرت پراکنی نمایند.

این‌گونه سخنان حاکی از آن است که دشمنان اسلام تمامی امکانات سیاسی و اقتصادی خود حتی در صحنه بین‌المللی بکار گرفته است تا بتواند حداقل اسلام ناب را از درون تهی کنند تا گوهر دین برای تشنگان معارف مخفی و پنهان بماند. بدیهی است که در یک چنین موقعیتی تنها اهرم موفقیت، اتحاد میان امت اسلامی و مبارزه با هر ندایی است که این وحدت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳. وحدت راهبرد اصلی تشکیل حکومت توسط پیغمبر اکرم ﴿﴾

پیامبر اسلام ﴿﴾ با دریافت صحیح از رموز موفقیت در مدیریت جامعه، برای تشکیل حکومت اسلامی دست به اقدام ابتکاری و ماندگار زده‌اند، که از آن جمله می‌توان به:

۳-۱. امضای پیمان عمومی و تعهدنامه توسط مردم یثرب

با عنایت به اینکه پیامبر اسلام ﴿﴾ از آغازین روزهای ورود به مدینه مقدمات تشکیل حکومت اسلامی را هدف‌گذاری کرده بودند، لذا آن حضرت برای متحد کردن آحاد جامعه آن روز خصوصاً دو قبیله اوس و خزرج قراردادی دایر بر وحدت میان مهاجرین و انصار نوشت. بر اساس متنی که سیره نویسان آن را منتشر کرده‌اند عمده بندهای این قرارداد، حکایت از راهبرد وحدت در اندیشه سیاسی پیامبر اکرم ﴿﴾ جهت سعادت جامعه است، مفاد این پیمان به شرح زیر است:

الف: مسلمانان در برابر ظلم و تجاوز باهم متحد خواهند بود.

ب: ذمه الله نسبت به همه افراد یکسان است.

ج: در صورت بروز اختلاف خدا و رسول مرکز حل و فصل آن خواهد بود.

د: پیمان و تعهد توسط هر یک از مسلمانان پذیرفته شود، برای سایرین لازم الاجراست.

ه: مسلمانان، دوستان و پشتیبانان یکدیگرند.

و: امضاکنندگان پیمان ملت واحد را تشکیل می دهند.

از آنجایی که در آن شهر یهودیان نیز بخشی از شهروندان مدینه به حساب می آمدند و آنان در برخی موارد از ناحیه رومیان مورد تهدید قرار می گرفتند و با بروز این قدرت نوظهور، یهودیان امنیت خود را در زیر پرچم نظام و حکومت اسلامی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می دیدند، به این معاهده پیوستند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با استقبال از حضور و تعهد یهودیان نسبت به نظام حکومت اسلامی اموال و دارایی های آن ها را محترم شمرد و آنان را در زیر چتر حمایتی اسلام درآورد. لذا برخی از بندهای آن قرارداد در ارتباط با برخی از صاحبان مکاتب دیگر مثل یهودیان به رشته تحریر درآمد و مورد پذیرش واقع گردید. مثل:

ز: مسلمانان و یهودیان امتی واحد اند و مانند یک ملت در مدینه زندگی خواهند کرد و هر یک دین خود را خواهند داشت.

ح: در جنگ های که یهودیان و مسلمانان در کنار یکدیگر به جنگ با دشمن می پردازند هزینه هر کدام بر عهده خود آنان است و هر کس که با متحدان این پیمان جنگ کند، باید متحدانه با او جنگید.

ط: هیچ کس حق ندارد در حق هم پیمان خود ظلم و ستم نماید و در صورت تخطی باید به مظلوم و ستم دیده کمک و یاری رسانید.

ی: شهر یترب برای امضاء کنندگان این پیمان «حرم» اعلام می گردد.

این اقدام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت از تولید و ایجاد حس مشترک ملی و دینی و اعتمادی است که در جامعه مسلمین تضمین کننده سعادت مندی آنان خواهد بود.

۳-۲. نفی قوم‌گرایی

از مهم‌ترین عوامل شکست در جامعه انسانی، قوم‌گرایی و ملی‌گرائی‌های افسارگسیخته‌ای است که همواره ایجاد مشکل در وحدت و یکپارچگی امت‌ها دارد. در صدر اسلام و به دلیل فرهنگ جاهلی در میان اعراب مسئله نژادپرستی و تفاخر به ایل و تبار و قبیله به‌وفور دیده می‌شد. اسلام با این‌گونه ادبیات همواره مبارزه کرده است. در یکی از آیات قرآن این چنین می‌خوانیم:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ﴾ (حجرات: ۱۳)، ای مردم ما شما را از مرد و زن خلق کردیم و شما را (بافرنهنگ‌ها) از تیره‌ها و قبیله‌ها مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شما هستند.

رفتارهای پیامبر ﷺ در واگذاری مسئولیت اجتماعی آن روزگار به افراد، خود نیز گویای این واقعیت است که پیامبر اسلام ﷺ جهت حفظ وحدت، انتخاب‌ها و واگذاری مسئولیت‌ها را بر اساس قابلیت‌های تنظیم می‌کردند به‌طور مثال ما می‌بینیم که پیامبر اسلام ﷺ بلال حبشی آن غلام سیاه‌چرده را مؤذن خود قرار می‌دهد و بدین وسیله عملاً ملاک برتری را ارزش‌های انسان و تقوا معرفی می‌کند. بی‌جهت نیست که آن حضرت فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ رَبِّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنْ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ وَوَاحِدٌ كَلِّكُمْ لَأَدَمَ وَآدَمَ مِنْ تَرَابٍ- إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ وَ لَيْسَ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَىٰ» (ابن شعبه، ۱۳۸۶: ۵۶)؛ ای مردم خدای شما یکی و پدر شما نیز یکی است و همه از آدم خلق شده‌ایم گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. برای عرب هیچ‌گونه فضیلتی نسبت به عجم به‌غیر از تقوا وجود ندارد.

در تاریخ آمده است در جنگ احد سلمان فارسی در مصاف با یکی از مشرکان قریش شمشیرش را با قدرت بر فرق یک مشرک فرود آورد و با صدای بلند گفت: «خُدَّهَا

مِی، وَأَنَا الْعُلَامُ الْفَارِسِیَّ» (ابو داوود، ۱۴۳۰: ۴۴۳/۷) پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از این واقعه مطلع شدند و سلمان را مورد خطاب قرار دادند و فرمودند:

«چرا این چنین حرفی گفتمی این سخن تو تعصبات دیگران را برمی انگیزد و فرمودند چرا نگفتمی من جوان انصاری هستم.» و بدین وسیله خواستند به او بفهمانند که آنچه مایه افتخار و مباهات است قوم، قبیله، ایل و طایفه نیست. بلکه آیین و مسلک توست که مایه افتخار و مباهات است. پیامبر صلی الله علیه و آله بدین شکل با نفی تعصبات قومی و طایفه ای ارائه راهکار جدید مثل تعهد در مقابل گزاره های دین در مقام پاسداری از وحدت میان امت اسلامی بودند و به همین دلیل مسلمانان عرب و غیر عرب، اسلام را از آن خود می دانستند و خود را موظف به دفاع از آن می دیدند و همین امر باعث رشد و شکوفایی و تأثیرگذاری عمیق و ویژه در میان مردم؟ رمز موفقیت مسلمانان در گسترش دین بوده است.

۴. وحدت بر محور آیات و دستورات قرآن مجید

همواره در قرآن مجید بر وحدت میان امت اسلامی تأکید شده است و آن را از عالی ترین عطایای الهی برشمرده است آنجایی که قرآن می فرماید:

﴿وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾
(آل عمران: ۱۰۳)

نعمت الهی را به یاد آورید (به خاطر داشته باشید زمانی که) شما دشمنان یکدیگر بودید و خدا در میان دل های شما الفت و مهربانی انداخت و به عنایت او (خدا) برادران یکدیگر شدید.

و در جای دیگری که مؤمنان را برادران یکدیگر می خواند:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ﴾ (حجرات: ۱۰)؛ همانا مؤمنین با یکدیگر برادرند پس میان آن صلح و آشتی برقرار کنید.

آن چیزی که در این راستا بسیار مهم به نظر می‌رسد آن است که وحدت نیازمند به محور است و هرگز قرآن نمی‌تواند محور وحدت باشد. زیرا قرآن صامت است و کسی می‌تواند محور وحدت باشد که قرآن را بفهمد از آن بهره حقیقی بگیرد و بر اساس آن مردم را به وحدت فراخواند. قرآن مجید حضرت ابراهیم را به عنوان امام ناطق معرفی کرده است، آنجایی که می‌فرماید:

﴿...وإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴)؛ هنگامی که خدا ابراهیم را با کلماتی آزمود و او همه را با سربلندی انجام داد خداوند (به او) فرمود: من تو را امام قرار دادم. او پرسید از فرزندانم چطور؟ فرمود: که پیمان من به ظالمان نمی‌رسد.

از اینجا فهمیده می‌شود که امام صامت (کتاب آسمانی) جهت هدایت و سعادت مردم کافی نیست، بلکه نیازمند امام ناطقی است که در تمام شئون اختلافات حق را بیان کند و محور حق و وحدت باشد.

امیرالمؤمنین می‌فرماید: که الفاظ و واژگان قرآن دارای معانی متعددی است که هرکسی می‌تواند آن را به دلخواه خود معنا نماید. حضرت امیر وقتی که ابن عباس را برای مذاکره با خوارج اعزام نمود، توصیه اکید فرمود که:

«لَا تَخَاصِمَهُم بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حِمَالٌ ذُو وَجْهِ تَقُولُ وَيَقُولُونَ... لَكِنْ حَاجِبُهُم بِالْسَنَةِ فَانْهَم لَنْ يَجِدُوا مَحِيصًا» (نهج البلاغه: نامه ۷۷)؛ به وسیله قرآن با آنان (خوارج) صحبت نکن زیرا که (واژگان) قرآن دارای معانی متفاوت است. تو سخنی می‌گویی و آنان حرف خود را می‌زنند... ولی تو با آنان به سنت و سیره پیامبر ﷺ سخن بگو که آنان هیچ راه فراری برایشان باقی نخواهد بود.

بر این اساس، قرآن امام صامت است و برای انتقال حقیقت سخنان این امام صامت، نیازمند امام ناطق است تا بتواند حقیقت دین را آشکار و تبیین نماید. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳)

در اینجا محور وحدت به (حبل) تفسیر شده است. پرواضح است که دو سر این ریسمان یکی در عالم علیا (بالا) و دیگری در عالم (سفلا) پایین است. این امر نشانگر این موضوع است که یک طرف ریسمان وحدت، عالم غیب و ملکوت و طرف دیگر آن عالم ناسوت است که باید به دست کسی باشد که اهلیت این امر را داشته باشد تا بتواند به عنوان واسطه میان عالم شهود و عالم غیب گردد. چراکه باید کشتی حیات سعادت‌مندان بشری در ساحل حقیقت و واقعیت‌های حاکم بر نظام هستی، آن چنان که هست، پهلو بگیرد نه در ساحل هوا و هوس. زیرا که اتحاد و یکپارچگی بر پایه حق و حقیقت عامل سعادت‌مندی است نه اتحاد بر پایه تمایلات نفسانی.

ناگفته نماند حقیقت، واقعیتی است که هیچ‌گونه ربطی به وفاق ملی و روی آورد اجتماعی مردم ندارد و این چنین نیست که هرگاه ملتی اقبال به چیزی نمایند، آن حق است و اگر از آن ابراز تنفر کردند آن باطل است. مهم‌ترین دلیل این مدعا تکالیف شرعی است که بر عهد مکلفان قرارداد شده است مثل امر به معروف و نهی از منکر. قطعاً ما وقتی نهی از منکر می‌کنیم که فردی یا جماعتی بر اساس هوای نفسانی برخلاف قاعده سعادت‌مندی انسان‌ها اقدام می‌نماید و اگر معیار حق اقبال مردم بود هر آینه نهی از منکر اجتماعی معنا نداشت و یا امر به معروف اجتماعی. لذا این مکلفین هستند که باید کار خود را بر معیار حق و حقیقت منطبق سازند و هماهنگ شوند. امیرالمؤمنین ملاک شناخت حق و باطل را افراد قرار نداده است. آن حضرت به حارث همدانی فرمود: «یا حارث ان الحق لا يعرف بالرجال و انما الرجال يعرفون بالحق فاعرف الحق تعرف اهله قلوباً او کثیروا و اعرف الباطل تعرف اهله قلوباً او کثیروا» (دیلمی، ۳۷۱: ۲۹۶/۲)؛ ای حارث ملاک شناخت حق با افراد نیست مردم با (خط کش) حق شناس می‌شوند پس حق را بشناس اهل آن را چه کم باشد و چه زیاد خواهی شناخت و باطل را نیز شناسایی کن اهل آن را چه کم باشد و چه زیاد خواهی شناخت.

۵. امامت جامعه رمز وحدت

از آیه اعتصام ﴿اعتصموا به حبیل الله﴾ (آل عمران: ۳) که مسلمانان را فرمان به تمسک به آن می‌کند می‌توان فهمید که فقط تنها ریسمانی که قطعاً انسان را به خدا می‌رساند، در اختیار افراد خاص است. افرادی که هرگز بر اساس هوای نفسانی خود مردم را امر و نهی نمی‌کنند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ اهل بیت خود را محور حق بعد از خود و قرآن، معرفی کرده است و ریسمان اعتصام به حضرت حق را در دست اهل بیت معصوم خود قرار داده است. آنجا که فرمودند:

«وَأُنَى تَارِكٍ فَيَكُمُ ثَقَلَيْنِ أُولَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بَكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ، فَحِثْ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَغْبِ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: وَأَهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي» (نیشابوری، ۱۳۷۴: ۱۸۷۳/۴)؛ من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم اول کتاب خدا که در آن نور هدایت است پس به آن چنگ بزنید و سپس فرمود (دوم) اهل بیت من خدا را (گواه می‌گیرم) به شما یادآوری می‌کنم اهل بیت من.

این روایت با تعابیر مختلف از راویان و محدثان شیعه و سنی به صورت متواتر نقل شده است که هر یک مفهوم واحدی را بیان می‌کند و آن مفهوم قرار گرفتن یکسر ریسمان هدایت انسان‌ها در دستان اهل بیت پیامبر ﷺ و بعد از آن حضرت است. در بیان دیگر پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا - كِتَابِ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي - وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ» (دیلمی، ۱۳۷۱: ۱۳۷۱)، من در میان شما دو چیز گران بها (به یادگار) می‌گذارم که هرگاه با آن تمسک کنید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد. کتاب خدا و عترت و اهل بیتم این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر من در کنار حوض کوثر وارد شوند. [در سنن کبری به قریب به همین مضمون آورده است که کتاب

خدا و عترت همان گنجینه های ارزشمند به یادگار از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هستند (بیهقی، ۱۴۲۴: ۲/۲۱۲) و در برخی دیگر از روایت آمده است:

«فلا تقدموهما و تهلكوا و لاتقصروا فتهلكوا و لاتعلموهم فانهم اعلم منكم» (هیثمی، ۱۴۱۴: ۹/۱۶۴؛ کوفی، ۱۴۲۳: ۲/۳۷۵)؛ هرگز بر این دو پیشی نگیرید و از آن عقب نمانید که هلاک می شوید در مقام آموزش به آن ها نیز نباشید که آنان از شما عالم ترند.

سخن بسیار شنیدنی از حاکم نیشابوری در مورد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است. ایشان روایتی را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که می فرماید:

" النجوم أمان لأهل السماء، وأهل بيتي أمان لأمتي من الاختلاف، فإذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب ابليس " (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳/۵۱۷)؛ ستارگان امان اهل آسمان می باشند و اهل بیت من امان برای امت من از (افتادن) ورود در اختلاف و هرگاه قبیله ای از اعراب با آن مخالفت کند و در میان خودشان اختلاف افتاد جزء حزب ابلیس می گردند.

۶. مرجعیت دینی اهل بیت علیهم السلام

از مباحث تاریخی پیدایش امامت که بگذریم مرجعیت دینی اهل بیت علیهم السلام یکی از محوری ترین مباحثی است که همواره مورد توجه واقع شده است. چراکه همواره این سؤال مطرح می شود که به راستی دین و گزاره های اجرای آن را بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از چه کسی باید گرفت؟ به سنت واقعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد چه کسانی به امانت گذاشته است؟ آیا ائمه چهارگانه اهل سنت سزاوارتر به تبیین سنت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هستند یا فرزندان و اهل بیت آن حضرت که به نص آیه قرآن جان پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند؟ (رک. ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۲۳: ۲/۲۲۶)

قرآن کریم در آیه مباهله این چنین می فرماید:

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران: ۶۱)؛

هرکسی که با تو بعد از علم و دانشی که به تو رسیده است (در مورد حضرت عیسی) و از قبول حق سرباز می‌زند بگو بیاید تا پسرانمان و پسرانتان، زنانمان و زنانتان و خودمان (کسی که به منزله خود من است) به خودتان را بخوانیم و سپس نزد پروردگار، به مباحله و زاری برخیزیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.

شأن نزول این آیه که به قول مفسران شیعه و سنی به صورت متواتر در حق پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت پیامبر ﷺ و در شأن آنان آمده است به خوبی حاکی از مرجعیت دینی اهل بیت رسول گرامی اسلام ﷺ دارد.

امیرالمؤمنین در تعیین نقش رسالت خود و فرزندان معصومین خویش این چنین فرموده است :

« نَحْنُ الشَّعَارُ وَالْأَصْحَابُ وَالْحَزَنَةُ وَالْأَبْوَابُ وَلَا تُؤْتَى الْبُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا فَمَنْ آتَاهَا مِنْ غَيْرِ أَبْوَابِهَا سَمِيَ سَارِقًا » (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۴)؛ مردم ما اهل بیت پیامبر ﷺ چنان پیراهن او و یاران راستین و خزائن داران علوم او هستیم و (بدانید که) جز از درب منزل، هیچ‌کس به خانه وارد نخواهد شد و هرکسی از غیر درب اصلی وارد شود، او را سارق می‌نامند.

۷. چهره‌ها و پرچم‌داران وحدت اسلامی در سده اخیر

در سده اخیر مهم‌ترین چهره‌های تأثیرگذار در احیاء و بازسازی وحدت اسلامی، شخصیت‌هایی همچون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی از میان شیعیان و شیخ محمود شلتوت و شیخ عبدالله حمید سلیم از عالمان اهل سنت بوده‌اند. اصرار این اندیشمندان جهان اسلام بر پرزنگ کردن نقاط مشترک دینی و پرهیز از پرداختن به اختلافات و دامن زدن به آن بوده است و با دعوت مردم به عقلانیت و منطقی‌نشان دادن دسیسه‌های دشمنان اسلام به مسلمانان، همواره از امت اسلام جبهه متحدی در مقابل صهیونیسم بین‌المللی می‌ساختند.

بدیهی است همان‌گونه که گفته شد، معنای ایجاد صف واحد در برابر دشمن مشترک با دفاع از مرام مذهب و نقد طرف مقابل در صورت رعایت حریم‌ها هیچ منافاتی ندارد.

مضافاً اینکه بر اساس اندیشه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی این وحدت و ایجاد اتحاد اسلامی، بستری مناسب جهت پخش معارف حقیقی دین از زبان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فراهم می‌نماید و همین امر باعث شد که مذهب جعفری به عنوان یکی از مذاهب رسمی و فقه جعفری نیز به عنوان فقه رسمی و پذیرفته شده در دانشگاه الازهر مصر شناخته شود. همان راهبرد قرآنی که هرگز باعث تهییج و تعصبات و روشن شدن آتش فتنه نمی‌شود و کینه‌های مخالفان را برنمی‌انگیزد.

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، ضرورت وحدت در جامعه اسلامی ما دوچندان احساس گردید. زیرا دشمنان این مرزوبوم عالی‌ترین راه برد مبارزه با نظام اسلامی را ایجاد جنگ داخلی و تضعیف عناصر انقلابی از داخل کشوری دانست. آنان دیده بودند که همواره ملت عظیم و بزرگ ایران در جنگ با دشمنان خارجی انسجام خاصی را از خود بروز و ظهور می‌دهد که نمونه بارز آن وحدت و مقاومت ملت بزرگ ایران در جنگ هشت ساله، مقابل بعثی‌های عراقی است که همه مردم ایران از سنی و شیعه و مسیحی و یهودی و ... دست در دست یکدیگر با دشمن مبارزه کردند و شهید دادند و پیروز شدند.

لذا دشمن برای شکستن صلابت و اقتدار مردم بزرگ ایران به دنبال دمیدن در آتش تفرقه و جنگ‌های داخلی و مذهبی برآمد. به همین جهت مرحوم امام خمینی علیه السلام همچون طبیبی حاذق پیش‌بینی‌های لازم و ضروری را جهت دفع خطرات از نظام اسلامی را نمودند و همه ملت ایران را به وحدت و یکپارچگی فراخواندند. ایشان منادیان تفرقه را جزء ارباب جمعی دشمن معرفی کردند و همواره نقشه‌های آنان را برای ملت‌ها افشا نمودند.

امروز نیز رهبر معظم انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از همان توصیه‌های امام راحل عظیم‌الشأن پرچم دار وحدت اسلامی است و همه ملت‌های مسلمان را در اقصی نقاط جهان به وحدت و یکپارچگی و هم‌افزایی قدرت و توان در مقابل صهیونیسم بین‌الملل فرا می‌خواند و آن را رمز موفقیت امت اسلامی می‌داند.

نتیجه‌گیری

بنیادی‌ترین خسارت در جامعه اسلامی وجود اختلافات قومی و مذهبی است از این رو جامعه اسلامی باید به سمت و سوی وحدت حرکت کند البته وحدت به عنوان مؤلفه اقتدار جامعه ایمانی به معنای کنار گذاشته مذاهب و یکی کردن آنها نمی‌باشد بلکه وحدت جوامع اسلامی بعنوان راهبردی کلیدی با محوریت قرآن و سنت رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت عصمت و با تکیه بر مشترکات دینی و پرهیز از پرداختن به اختلافات مذهبی معرفی می‌شود و امامت بعنوان رمزی برای وحدت باز شناخته می‌شود از این رو ملت‌های مسلمان می‌توانند با شناخت و درک صحیح از ضرورت وحدت و یکپارچگی و با بهره‌گیری از عنصر وحدت موفقیت‌های بی‌شماری علیه دشمنان به دست آورند که نمونه‌های بارز آن را می‌توان در توفیقات مردم لبنان در اخراج صهیونیست‌های اشغالگر و در دهه اخیر پیروزی ملت‌های مسلمان عراق و سوریه و لبنان و یمن و افغانستان و نیجریه و.. علیه عوامل استکبار جهانی یعنی وهابیت سرسپرده به دشمن دانست.